در این کتاب، تاریخ جهان مورد بحث است و ما برای فهم بیشتر جامعۀ امروز و آینده، تاریخ را یک سلاح می دانیم. چگونه گذشته را درک می کنیم و اینکه چگونه گذشته بر حال حاضر ما تأثیر می گذارد. تقریبا به همین دلیل، تاریخ زمینه ای برای تفسیرهای رقیب است. چرا که تاریخ، علمی سیاسی و جدلی است. تمامی دانشی که از بحران ها، جنگ ها و انقلاب ها موجود است لزوما تاریخی می باشد. ما نمی توانیم بدون اشاره به گذشته از دنیای کنونی مان حسی دریافت کنیم، اما می توانیم یک کامپیوتر بسازیم آن هم بدون ارجاع به دانش انباشتۀ دهه های مختلف گذشته. برخی حاکمان این را می دانند و از آنجایی که آن ها علاقه مند به دفاع از قدرت خود هستند، از نظارت بر آموزش و رسانه های جمعی برای ارائۀ دیدگاهی تاریخی استفاده کرده و برخی از حقایق تاریخی را پاکسازی می کنند. آن ها هدفمند بهره برداری می کنند و خشونت طبقۀ حاکم و مبارزات ستمدیدگان را نادیده می گیرند.

اما نخبگان حکومتی با ثروت و قدرت و دفاع ازمورخان محافظه کار که منعکس کنندۀ جهان بینی نخبگان گذشته و حال هستند تمایل به ارتقاء دیدگاه خاصی از تاریخ دارند. آن ها بر استمرار و سنت، اطاعت و انطباق، ملی گرایی و امپراتوری تأکید دارند. آن ها معمولا استثمار و خشونت ثروتمندان را کمرنگ می کنند و غالبا زندگی فقرا و مبارزات آن ها برای تغییر را نادیده می گیرند. با انجام این کار – با داشتن نگاهی گذرا به گذشته – آن ها اغلب نیروهای موتور تاریخ را از دست می دهند. از عمر این نوع حکومت های تاریخ سال های متمادی گذشته اما آن ها هنوز حاکم هستند. امپراتوری های امروز مانند امپراتوری های گذشته، جنگ های امپریالیستی امروز را به عنوان مدل های تمدن توسط هوادارن نومحافظه کار خود دوباره مطرح کرده اند. اروپای قرون وسطی به عنوان نمونه ای از اقتصاد جدید «کلاسیک» که توسط بانکداران میلیونر مورد حمایت قرار می گیرد دوباره تفسیر شده است. انقلاب های بزرگ توسط «تجدیدنظرگرایان» که مایل به نوشتن درگیری های اجتماعی درخارج از تاریخ هستند، دوباره به عنوان کودتای صرف یا دعواهای جناحی تفسیر شده است. تلاش برای ساخت روایت های تاریخی در بین نظریه پردازان پست مدرن مورد پذیرش قرار نگرفته است – یعنی این که گذشته را توضیح دهیم تا بتوانیم امروز را درک کنیم و در آینده نیز تغییر ایجاد کنیم – آن ها استدلال می کنند که تاریخ هیچ ساختار، الگو یا معنایی ندارد. بعضی اوقات این تئوری ها به عنوان «تحقیقات جدید» طراحی می شوند. مورخان برای جمع آوری داده های تحقیقات جدیدشان همیشه از اسناد بایگانی شده استفاده می کنند. این نوع تحقیق ممکن است برخی از تفسیرهای ما را تغییر دهد. با این حال نادر است که داده های جدید با یکسری جزئیات، پارادایم قدیمی را واژگون کند. چون بسیاری از تحقیقات مدرن، که در یک چارچوب پسامدرن قرار داده شده اند، صرفا ما را با قطعات جدا شده از اطلاعات رها می کنند. اثر این ایده های مدرن این است که ما را به لحاظ ذهنی غیر فعال می سازد و حتی از لحاظ سیاسی، بینشی بی طرف به ما می دهد. از سوی دیگر، کار اصلی مورخ، مقدس کردن کلیات در میان خواص، الگویی درمیان جزئیات، جهت دهی به تحقیقات درمیان هرج و مرج حوادث، پیکان های توسعۀ تاریخ در میان چرخه های بازتولید آن است. این همان سنتی است که در این کتاب جای گرفته است. این کتاب سنتی متفاوت را در پی دارد. تاریخ نه تنها توسط سیاستمداران و نظامی ها شکل می گیرد؛ بلکه پیامد آن این است که اگر مردم عادی خود را سازماندهی و به صورت جمعی کار کنند، آن ها نیز می توانند تاریخ را شکل دهند. این روایتی است که در این کتاب آشکار شده است. این کتاب با یک سری مقالات آنلاین که در یک وب سایت چپ در بین سال های 2010 تا 2012 منتشر می شد، آغاز شد. شش سال بعد، این متن به شکل بسیار گسترده ای در این کتاب منتشر شد.